

عنوان : مقایسه اثربخشی فراورده گیاهی به لیمو (*Lippia citriodora*) با دارونما بر کیفیت خواب

نام و نام خانوادگی استاد / اساتید راهنما: دکتر مجید امتیازی_ دکتر مهرداد کریمی

نام و نام خانوادگی دانشجو : فرشید افراسیابیان

کلید واژه ها: گیاه به لیمو، بی خوابی، گیاه درمانی، اختلال در شروع و تداوم خواب، طب سنتی

مقدمه: گیاه به لیمو (*Lippia citriodora*) با سابقه دیرین استفاده بومی جهت ایجاد آرامبخشی و درمان بی خوابی و اضطراب در جوامع مختلف و وجود شواهدی مبنی بر ایجاد حالت تسکینی و بیهوشی در مطالعات حیوانی می باشد، این مطالعه جهت ارزیابی اثربخشی مصرف خوراکی فراورده گیاهی به لیمو، در بیماران مبتلا به اختلال بی خوابی انجام شد.

مواد و روش کار : تعداد ۱۰۰ بیمار بزرگتر از ۱۸ سال مبتلا به اختلال بی خوابی (انتخاب شده بر اساس ملاک های تشخیصی بی خوابی DSM-۵ و کسب نمره بالاتر از پنج براساس پرسشنامه کیفیت خواب PSQI و بر اساس معیارهای ورود و خروج تعیین شده در مطالعه)، در یک مطالعه کارآزمایی بالینی دو سوکور از بین بیماران با شکایت بی خوابی غربالگری شدند . بیماران به طور موازی و به صورت تصادفی در دو گروه کنترل و مداخله، تحت درمان با مصرف خوراکی ده سی سی از فراورده گیاهی به لیمو (کل محتوای اسانس محصول ۶۶/۱ میلی گرم در هر ده میلی لیتر شربت و کل مقدار فلاونوئید از نظر کورستین ۲۲/۳ میلی گرم در هر ده میلی لیتر شربت بود) در گروه مداخله و همین مقدار دارونما در گروه کنترل شبانه یک ساعت قبل از خواب قرار گرفتند. کیفیت کلی خواب و مؤلفه های تأخیر در شروع خواب، میزان بازدهی خواب، عملکرد روزانه و کیفیت ذهنی خواب با استفاده از پرسشنامه کیفیت خواب (PSQI) و نیز میزان شدت بی خوابی با استفاده از پرسشنامه شاخص شدت بی خوابی (ISI)، قبل از مداخله و در پایان دو و چهار هفته از شروع مصرف دارو، اندازه گیری و داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ و با استفاده از روش های توصیفی و تحلیلی آنالیز گردید . عوارض جانبی احتمالی ایجاد شده در بیماران نیز در طول مطالعه پیگیری شد.

نتایج : با توجه به میانگین نمرات گروه دریافت کننده فراورده گیاهی به لیمو، در همه مؤلفه های کیفیت خواب شامل : کیفیت ذهنی خواب، تأخیر در شروع خواب، میزان بازدهی خواب و نیز کیفیت کلی خواب و میزان شدت بی خوابی، پس از چهار هفته از درمان، به صورت معنی داری نسبت به گروه دارونما بهبود حاصل شده است . ($p < 0.01/0$) همچنین بهبودی در کیفیت کلی خواب و میزان شدت بی خوابی پس از دو هفته از شروع درمان در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل نیز مشهود است. ($p < 0.01/0$)

بحث و نتیجه گیری : نتایج این تحقیق نشان داد که مصرف خوراکی فراورده گیاهی به لیمو می تواند به عنوان یکی از گزینه های درمانی بیماران مبتلا به اختلال بی خوابی پیشنهاد و به عنوان گزینه ای جهت انجام کارآزماییهای وسیع تر با حجم نمونه بزرگ تر و در جوامع مختلف با خصوصیات دموگرافیک متفاوت تر و با استفاده از ابزارهای عینی سنجش بی خوابی، جهت سنجش دقیق تر بی خوابی در بیماران، معرفی شود.

عنوان : بررسی تاثیر فرآورده طبیعی گیاه مورد بر بیماران دچار رینوسینوزیت مزمن در کلینیک ویژه گوش و حلق و بینی بیمارستان مسیح دانشوری تهران در سال ۱۳۹۴

نام و نام خانوادگی استاد / اساتید راهنما: دکتر مجید امتیازی – مهندس محمد کمالی نژاد

نام و نام خانوادگی دانشجو : محبوبه ابریشم کار

کلید واژه ها: رینوسینوزیت مزمن، مورد، طب سنتی ایران، فیتوتراپی، *Myrtus communis L.*

مقدمه:

رینوسینوزیت مزمن (CRS)، التهاب سینوسهای پارانازال است که ۴ تا ۱۲ هفته و بیشتر طول می کشد. هرچند درمانهای رایج موضعی و سیستمیک در درمان این بیماری مزمن کمک کننده است ولی تابحال درمان استاندارد برای آن وجود ندارد. بر طبق متون طب سنتی ایران گیاه مورد با نام علمی *Myrtus communis L.* می تواند در کاهش تورم و التهاب موثر باشد. خاصیت ترمیم بافت و اثر ضدالتهاب این دارو می تواند در درمان این بیماری مزمن موثر باشد.

مواد و روش کار:

۶۰ بیمار مراجعه کننده به بیمارستان مسیح دانشوری تهران که تشخیص رینوسینوزیت مزمن توسط متخصص گوش و حلق و بینی برایشان مطرح شده است، پس از احراز شرایط ورود، وارد مطالعه بالینی دوسو کور شده و به صورت تصادفی در دو گروه ۳۰ نفره قرار گرفتند. قبل از شروع مطالعه برای همه بیماران سی تی اسکن پارانازال انجام شد. اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه ۲۲ SNOT و VAS برای همه بیماران قبل و بعد از مداخله پر شد. هرگونه عوارض طی مطالعه ثبت گردید.

نتایج :

از ۶۰ بیمار، ۳۳ بیمار زن و ۲۷ بیمار مرد بودند که از این تعداد، ۱۴ مرد (۴۳/۸٪) و ۱۶ زن (۵۶/۲٪) در گروه مداخله و ۱۹ مرد (۶۳/۶٪) و ۱۱ زن (۳۶/۴٪) در گروه کنترل قرار گرفتند که از نظر آماری تفاوت معنی دار با هم ندارند ($p\text{-value}=0/224$). میانگین سنی در دو گروه مداخله و کنترل به ترتیب ۳۹/۹۴ و ۳۸/۸۶ بود که از نظر آماری تفاوت معنی داری نداشت ($p\text{-value}=0/826$). علایم بیماران در پرسشنامه اسنات پس از مداخله در هر دو گروه کاهش چشمگیری داشت ولی این کاهش معنی دار نبود. ($p\text{-value}=0/056$) پس از تقسیم بندی سوالات در چهار حیطه مختلف، در گروههای مربوط به علایم رینولوژیکال و علایم روانی به ترتیب با $p\text{-value}$ ، ۰/۰۱۳ و ۰/۰۴۷ تغییرات معنی دار بود.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج این مطالعه و مطالعات مشابه، گیاه مورد بعثت تاثیرات آنتی وایرال، آنتی باکتریال و ضد التهابی می تواند در درمان رینوسینوزیت مزمن موثر باشد. بر روی ماده موثره ۸ و ۱ سینئول که ماده موثره شاخص این گیاه می باشد مطالعات جدیدی صورت گرفته و مطالعات بالینی با حجم بیشتر مورد نیاز است تا تاثیر این گیاه که منبع غنی این ماده می باشد، به اثبات برسد.

عنوان: مقایسه اثر پماد گیاه کهور با نرم کننده‌اُسَرین بر علایم بالینی بیماران مبتلا به درماتیت آتوپیک

نام و نام خانوادگی استاد / اساتید راهنما: دکتر مجید امتیازی و دکتر محمد ابراهیم زاده اردکانی

نام و نام خانوادگی دانشجو: سیدکمال حسینیان ندوشن

کلید واژه‌ها: گیاه کهور، درماتیت آتوپیک، گیاه درمانی، طب سنتی

مقدمه:

گیاه *Prosopis cineraria* که در ایران بنام کهور شناخته می‌شود در طب سنتی در ترکیب با تنباکو در تسکین درد دندان کاربرد داشته است. این گیاه در طب سنتی قدیم در درمان بیماری‌هایی مانند جذام، دیسانتری، آسم، لوکودرما، سوء هاضمه و گوش درد و غیره استفاده می‌شده است. از جمله خواص دارویی کهور، خواص ضد میکروبی، ضد دیابتی، ضد اسهال، تسکین دهنده‌گی و ضد التهابی آن است. این مطالعه با هدف مقایسه اثر پماد گیاه کهور با نرم کننده‌اُسَرین بعنوان درمان روتین بر علایم بالینی بیماران مبتلا به درماتیت آتوپیک انجام شد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه ۴۴ بیمار مبتلا به درماتیت آتوپیک ملایم و متوسط از مراجعینی که به آسانی در دسترس هستند انتخاب شد، پس از توضیح در مورد اهداف مطالعه، رضایت کتبی آگاهانه از بیمار یا والدین بیمار و اطلاعات دموگرافیک شامل سن و جنس و بیماری آن‌ها در فرم پرسشنامه ثبت شد. پس از شرح حال و معاینه دقیق جهت ارزیابی شدت درماتیت آتوپیک از معیار EASI (Eczema Area and Severity Index) استفاده شد. در مرحله‌ی بعد بیماران به صورت تصادفی (black design) در دو گروه تحت درمان با پماد تهیه شده از عصاره گیاه کهور و نرم کننده‌اُسَرین قرار گرفتند. پمادها در ظاهر و عطر یکسان بودند، کدها و برچسب گذاری در یک برنامه کامپیوتری محافظت شد. شرکت کنندگان، محققان و ارزیابی کنندگان نتایج تا زمانی که مطالعه تکمیل نشده از نوع داروی محتوی قوطی بی اطلاع بودند. هر دو گروه در بدو تحقیق و انتهای هفته اول و سپس انتهای هفته دوم و چهارم از نظر بهبود علائم بالینی، براساس معیار EASI مورد بررسی قرار گرفتند. سایر اطلاعات نیز از طریق مصاحبه و معاینه در زمان‌های ذکر شده جمع‌آوری شد. پرسشنامه‌ی عوارض دارویی نیز هر هفته از طریق تماس تلفنی ثبت شد. برای سنجش تأثیر مداخله در بازه‌های زمانی مختلف تغییرات، با استفاده از آزمون من ویتنی یو تست (Mann-Whitney U) به مقایسه میانگین نمره EASI پرداخته شد و جهت بررسی تغییرات نمره EASI در هر گروه در طول دوره پیگیری از آزمون مقدار تکرار شونده تحلیل واریانس Repeated Measure Anova استفاده شد. $P\text{-value} < 0/05$ به عنوان سطح معنی‌داری در تمام آزمون‌ها در نظر گرفته شد.

نتایج: میانگین سنی افرادی که در گروه مداخله بودند ۲۲/۷۲ سال و در افرادی که در گروه کنترل بودند ۲۱/۷۷ سال بود. نتایج نشان داد که در خصوص ضخیم‌شدگی، خارش، قرمزی و چرمی شدن پوست در بازه‌های زمانی چهارگانه تفاوت آماری معنی‌داری بین دو گروه وجود نداشت. در خصوص نمره خارش نیز فقط در هفته دوم، نمره خارش در دو گروه مداخله و شاهد تفاوت آماری معنی‌داری با هم داشتند. نتایج آنالیزهای اندازه‌های تکراری نشان داد که روند تغییرات EASI به تنهایی در طول زمان معنی‌دار می‌باشد. به این معنی که بدون در نظر گرفتن گروه‌های درمانی، EASI در طول زمان تغییرات معنی‌داری داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری: در این مطالعه به مقایسه اثر پماد گیاه کهور و نرم کننده‌اُسَرین بر علایم بالینی بیماران مبتلا به درماتیت آتوپیک پرداخته شد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد با توجه به نبودن تفاوت خاصی بین پماد کهور و داروی اُسَرین، می‌توان با در نظر گرفتن تمهیداتی در درمان درماتیت آتوپیک از پماد کهور در سطح محدود استفاده نمود.

عنوان : مقایسه میزان اثربخشی شیر اسب و شیر گاو بر علائم اختلال نقص توجه- بیش‌فعالی در کودکان

نام و نام خانوادگی استاد / اساتید راهنما: جناب آقای دکترمجید امتیازی / جناب آقای دکتر مهرداد شکیبا

نام و نام خانوادگی دانشجو : سیده زهرا جوکار جندقی

کلید واژه ها: شیر اسب، شیر گاو، اختلال کم توجهی بیش‌فعالی، رژیم درمانی

مقدمه: اختلال کم توجهی/ بیش‌فعالی (ADHD)، یکی از شایع‌ترین اختلالات عصبی رفتاری در دوران کودکی است که با عدم تمرکز، بیش‌فعالی و تکانشگری مشخص می‌شود. کمبود برخی مواد مغذی می‌تواند منجر به کاهش نوروپلاستیسیته سلول های عصبی گردد. مطالعات نشان داده که استفاده از یک رژیم غذایی مناسب از جمله از اسیدهای چرب غیر اشباع ممکن است در کنار درمان دارویی، بر کاهش علائم ADHD موثر باشد. از منظر طب سنتی ایران نیز علائم اختلال کم توجهی / بیش‌فعالی با غلبه خشکی و افزایش گرمی در مغز تطابق می‌نماید و در کتب مرجع طب سنتی شیر اسب درمان‌کننده بیماری‌های ناشی از حرارت و خشکی ذکر شده است که می‌تواند در بهبود علائم بیماران مبتلا به ADHD کمک‌کننده باشد.

مواد و روش کار: این مطالعه به صورت کارآزمایی بالینی تصادفی دوسوکور و متقاطع بر روی بیماران گروه سنی ۶ تا ۱۴ سال (از هر دو جنس) مبتلا به ADHD انجام شد. همه بیماران یک دوره ۴۵ روزه از مصرف شیر اسب و یک دوره ۴۵ روزه از مصرف شیر گاو (۲۵۰ سی‌سی روزانه) را در کنار ادامه درمان دارویی پشت سر گذاشتند. فاصله زمانی بین دو دوره مصرف شیر یک هفته در نظر گرفته شد. میزان بهبود علائم، دوز داروی مورد نیاز جهت کنترل علائم بیمار و عوارض احتمالی ثبت گردید. معیار کانرز (والدین و معلمان) برای هر بیمار قبل و بعد از هر مداخله ثبت شد.

نتایج : در گروهی که ابتدا شیر اسب را دریافت کردند، کانرز والدین به صورت معنی‌داری کاهش یافت ($P\text{ value}=0.001$) اما بعد از دریافت شیر گاو، کانرز والدین افزایش معنی‌دار ($P\text{-value}=0.007$) داشت. در گروهی که ابتدا شیر گاو را دریافت کردند، کانرز والدین به صورت معناداری تغییر نکرد ($P\text{-value}=0.913$) هرچند پس از مصرف شیر اسب به صورت معنادار ($P\text{-value}=0.004$) کاهش یافت. در گروهی که ابتدا شیر اسب را مصرف نمودند، معیار کانرز معلمان به وضوح کاهش یافت ($P\text{-value}=0.001$) و بعد از مصرف شیر گاو به صورت معنی‌داری ($P\text{-value}=0.028$) افزایش یافت. در گروهی که ابتدا شیر گاو را مصرف نمودند، معیار کانرز معلمان پس از مصرف شیر گاو تغییر معنی‌داری نداشت ($P\text{-value}=0.282$). در حالی که بعد از مصرف شیر اسب، میانگین نمره کانرز به صورت معنی‌دار کاهش داشت ($P\text{-value}=0.003$). تفاوت معنی‌داری بین عدد میانگین کانرز والدین و معلمان در قبل و بعد از دوره wash out دیده نشد.

بحث و نتیجه گیری : در این مطالعه شیر اسب در کاهش علائم اختلال نقص توجه بیش‌فعالی و تکانشگری موثر بود که این اثر بخشی با سطح بالای اسیدهای چرب غیر اشباع، سطح بالای تیرپتوفان و تیروزین (پیش‌سازهای سروتونین و ملاتونین)، ویتامین سی (اثرات آنتی اکسیدانی) و همچنین محتوای بیولوژیک بالا و تاثیر بر محور مغزی- روده ای و همچنین کمتر آلرژی زا بودن شیر اسب مرتبط دانسته شد. از منظر طب سنتی نیز رطوبت بخشی و سطح بالای Whey Protein شیر اسب، در کنار هضم آسان تر و بهتر آن نسبت به شیر گاو توجیه‌کننده اثرات مطلوب شیر اسب بر روی علائم ADHD ذکر شد.

عنوان : بررسی اثربخشی گیاه پلم بر علائم بالینی بیماران مبتلا به استئوآرتрит زانو در مقایسه با ژل دیکلوفناک

نام و نام خانوادگی اساتید راهنما: جناب آقای دکترمجید امتیازی- سرکار خانم دکتر زهرا امامی رضوی

نام و نام خانوادگی دانشجو: دکتر مرضیه جباری

کلید واژه ها: استئوآرتريت، پلم (*Sambucus ebulus* L.)، دیکلوفناک، طب سنتی ایران، طب گیاهی، گیاه‌درمانی

مقدمه: گیاه پلم (*Sambucus ebulus* L.) در طب سنتی ایران به مدت طولانی در درمان درد مفاصل، استخوان و

اختلالات مفصلی مورد استفاده بوده است . با توجه به استفاده سنتی از پلم و خواص دارویی مرتبط با آن، این مطالعه به منظور

بررسی اثربخشی و ایمنی کوتاه مدت استفاده موضعی گیاه پلم در بیماران مبتلا به استئوآرتريت زانو طراحی شده است.

مواد و روش کار : ۷۹ بیمار با استئوآرتريت زانو در این مطالعه پایلوت ، دو سو کور و دارای گروه کنترل به طور تصادفی در دو

گروه موازی ثبت نام شدند برای داوطلبان به مدت چهار هفته، سه بار در روز و هر بار به میزلیک بند انگشت، ژل پلم و ژل دیکلوفناک

یک درصد بصورت موضعی تجویز شد بیماران از نظر نمره VAS (Visual Analogue Scale) برای خود درجه بندی میزان درد زانو و از

طریق پرسشنامه WOMAC (Western Ontario and McMaster Universities Osteoarthritis Index) در زمینه‌های درد، محدودیت

حرکتی و خشکی مفصل، قبل مداخله و در پایان هفته دوم و چهارم پس از مداخله مورد ارزیابی قرار گرفتند و هر گونه عارضه جانبی

مشاهده شده نیز بررسی شد

نتایج : در پایان درمان، مقادیر میانگین نمره درد WOMAC ، نمره کل WOMAC و نمره درد VAS در گروه پلم در

مقایسه با گروه دیکلوفناک (به ترتیب: $p=0.004$ ، $p=0.004$ و $p<0.001$) به طور قابل توجهی پایین تر بود. علاوه بر این هیچ عارضه

جانبی جدی گزارش نشده است.

بحث و نتیجه گیری : این مطالعه پایلوت نشان داد که درمان موضعی با ژل پلم را می توان برای بهبود علائم بیماران مبتلا

به آرتروز زانو توصیه کرد . با این حال مطالعات طولانی تر شامل حجم نمونه بیشتر برای دستیابی به درک جامع در مورد اثر

بخشی و ایمنی پلم در آرتروز زانو مورد نیاز است.

عنوان : بررسی اثر بخشی شربت ریباس در کودکان ۱۲ تا ۷۲ ماه مبتلا به اسهال خونی

نام و نام خانوادگی استاد / اساتید راهنما: دکتر مجید امتیازی – دکتر مهرداد شکيبا

نام و نام خانوادگی دانشجو : علی خيوه

کلید واژه ها: ریباس (*Rheum ribes L.*), حب الریباس, اسهال خونی, شیگلوز, طب سنتی ایران

مقدمه:

گیاه ریباس (*Rheum ribes L.*) بومی مناطق ایران، ترکیه، هند، چین و چند کشور دیگر می باشد. فعالیت ضد اسهالی این گیاه از مهمترین شاخصهای این گیاه در طب سنتی ملل مختلف محسوب می شود. همچنین فعالیت ضد میکروبی قابل توجه آن علیه گونه های مختلف میکروبی مانند گونه های متفاو ت شیگلا ثابت شده است. بنابر این، این مطالعه جهت ارزیابی تاثیر و سلامت شربت ریواس در درمان اسهال شیگلایی کودکان به عنوان یک داروی مکمل طراحی شد.

مواد و روش کار:

این کار آزمایی بالینی تصادفی شاهد دار دوسو کور بر روی ۹۸ کودک با سن ۱۲ تا ۷۲ ماه مبتلا به دیسانتری شیگلایی انجام شد. کودکان به صورت تصادفی به دو گروه کنترل (۵۰) و مداخله (۴۸) تقسیم شدند. به گروه کنترل شربت دارونما و به گروه مداخله شربت ریباس داده شد. در ضمن هر دو گروه کنترل و مداخله تحت درمان استاندارد شامل سفتریاکسون (۱۰۰ میلی گرم به ازای هر کیلو گرم وزن در روز طی دو نوبت) برای سه روز اول و شربت سفیکسیم (ده میلی گرم به ازای هر کیلو وزن) برای دو روز بعدی تجویز شد. دمای بدن، دل درد، نیاز به تجویز تب بر و مسکن، دفعات دفع مدفوع، حجم مدفوع و قوام آن هر هشت ساعت کنترل و ثبت شد؛ در ضمن بررسی میکروسکوپی مدفوع در روزهای صفر، سه و پنج انجام شد. کشت مدفوع از نظر شیگلا نیز انجام شد. در روزهای صفر و سه شمارش کامل سلول های خونی نیز انجام شد. و هر گونه عوارضی نیز ثبت شد.

نتایج :

میانگین دوره تب و اسهال در گروه شربت ریباس بصورت معنا داری از گروه دارونما کمتر بود ($PV= ۰/۰۱۶$ و $۰/۰۰۱$ به ترتیب). همچنین بیماران گروه شربت ریباس دوره کوتاهتری نیاز به تب بر داشتند و نیز دوره دل درد بصورت معنا داری کوتاه تر از گروه شاهد بود (به ترتیب $۰/۰۱۲$ ، $۰/۰۰۱$ ($PV=$). اما از نظر نتایج ارزیابی پاراکلینیکی تفاوت معنی داری بین دو گروه نبود. هیچ گونه عوارض جانبی سویی هم گزارش نشد.

بحث و نتیجه گیری:

این مطالعه نشان داد که میتوان شربت ریباس را جهت کاهش تب و شدت اسهال در کودکان با دیسانتری شیگلایی توصیه کرد. بنابرین به عنوان درمان مکمل در این نوع اسهال کودکان میتواند پیشنهاد شود. اما مطالعات با جامعه آماری بزرگتر جهت اطمینان از اثر بخشی و سلامت شربت ریباس در شیگلوز کودکان ضروری به نظر میرسد.

عنوان : مقایسه برخی پارامترهای آزمایشگاهی خون وریدی قبل و بعد از حجامت در سال ۹۸
نام و نام خانوادگی استاد/اساتید راهنما: جناب آقای دکتر سیدکاظم کاظمینی ، جناب آقای دکتر رضا منصوری
نام و نام خانوادگی دانشجو : دکتر رضا ابهت
کلید واژه ها: حجامت، پارامترهای آزمایشگاهی، خون وریدی

مقدمه: انواع روش های خروج خون از بدن نظیر حجامت و فصد به عنوان شیوه هایی مهم هم برای پیشگیری و هم بعنوان در مان مطرح بوده است . این مطالعه باهدف مقایسه برخی پارامترهای آزمایشگاهی خون وریدی قبل و بعد از حجامت انجام گردید.

مواد و روش کار : د این مطالعه مشاهده از ای نوع قبل و بعد (study up follow) ، ۳۵ نفر کاندید حجامت وارد مطالعه شدند. قبل از حجامت، از تمامی افراد خون وریدی به میزان ۱۰ سی سی گرفته و جهت سنجش آزمایشات مشخص شده بیو شیمیایی، هماتولوژیک و ایمنولوژیک استفاده . شد بعد از آن افراد حجامت با تر شرایط استاندارد به عمل آمد . پس ۷ از روز، اقدام به خونگیری مجدد وریدی ب رای افراد شده و همان آزمایشات قبلی در مورد ها آن تکرارشد و مقایسه مقادیر کمی پارامترهای سنجیده شده، انجام شد .

نتایج : میانگین سنی افراد مورد مطالعه، ۴۰/۸۶ سال بود. نتایج نشان داد که میانگین تعداد گلبول های قرمز و سفید خون، هماتوکریت، پلاکت، ESR و فریتین، قبل و بعد از حجامت، اختلاف آماری معنی دار نداشتند . میانگین هموگلوبین خون قبل و بعد از حجامت، اختلاف آماری معنی دار داشتند . متغیرهای آهن، اسید اوریک، اوره و قند خون، قبل و بعد از مداخله، اختلاف آماری معنی دار داشتند و سایر متغیرها، از نظر آماری، قبل و بعد از مداخله تفاوتی نداشتند

بحث و نتیجه گیری : نتایج نشان داد که حجامت می تواند برخی متغیرهای خونی و بیوشیمیایی در را افراد بهبود ببخشد، هر چند نتایج و تحلیل های آزمایشگاهی برای برخی متغیرها معنی دار نبود

عنوان : بررسی تاثیر اتریفیل ساده (فرآورده‌ی طب سنتی ایرانی) بر مبتلایان به سردردهای میگرنی همراه با علایم گوارشی مراجعه کننده به درمانگاه اعصاب بیمارستان شهید صدوقی یزد

نام و نام خانوادگی اساتید راهنما: دکتر مجید امتیازی، دکتر علی ملت

نام و نام خانوادگی دانشجو : دکتر حماسه تواهن

کلید واژه ها: میگرن، سردرد مشارکتی معدی، اتریفیل صغیر، والپروات.

مقدمه:

میگرن یک بیماری حاد مغز و اعصاب غیر واگیر است، که مشکلات زیادی را برای بیماران مبتلا ایجاد می کند و نقایصی در روند زندگی این افراد ایجاد می کند. این عارضه غالباً مشارکتی است و درمان اعضای مشارکت کننده می تواند گامی موثر برای غلبه بر اختلالات میگرن باشد . این مطالعه با هدف بررسی اثر اتریفیل بر روی بیماران مبتلا به سردرد میگرنی همراه با علائم گوارشی انجام شد.

مواد و روش کار:

مطالعه حاضر کارآزمایی بالینی تصادفی است که بر روی ۱۲۴ بیمار مراجعه کننده به کلینیک مغز و اعصاب بیمارستان شهید صدوقی یزد، ایران، انجام شد. بیماران به طور تصادفی و مساوی به دو گروه کنترل و مداخله تقسیم شدند . در حالی که افراد گروه کنترل دوز روزانه سدیم والپروات ۲۰۰ میلی گرم دریافت کردند، شرکت کنندگان در گروه مداخله هم قرص ذکر شده و هم قرص ۵۰ میلی گرم اتریفیل صغیر را قبل از ناهار و شام دریافت کردند . پارامترهای مربوطه قبل و هشت هفته بعد از مداخله اندازه گیری شد.

نتایج :

در این تحقیق، استرس، خستگی، پرخوری، شنیدن صداهاى بلند، بی خوابی و مصرف غذاهای پرکالری در مقایسه با سایر عوامل در بروز میگرن نقش داشتند . طبق نتایج، استفاده از اتریفیل صغیر و سدیم والپروات به طور قابل توجهی از شدت درد، مدت زمان سردرد و زمان مورد نیاز برای استراحت می کاهد ($P < 0.001$).

بحث و نتیجه گیری:

طبق نتایج مطالعه، اتریفیل صغیر به همراه والپروات سدیم تأثیر قابل توجهی در کاهش شدت درد، مدت زمان سردرد و زمان مورد نیاز برای استراحت در بیماران داشت.

عنوان : تأثیر فرآورده طب ایرانی (کولیت ریلیف) در جلوگیری از عود علائم در بیماران مبتلا به کولیت اولسراتیو
نام و نام خانوادگی استاد / اساتید راهنما: دکتر مجید امتیازی، دکتر حسن سلمان روغنی
نام و نام خانوادگی دانشجو : دکتر فاطمه رضایت
کلید واژه ها: کولیت ریلیف، کولیت اولسراتیو، عود، رامک

مقدمه:

بیماری کولیت اولسراتیو، یک وضعیت التهابی مزمن است که منجر به التهاب مداوم موکوسی در کولون شده و بدون گرانولوما در بیوپسی رکتوم را درگیر می کند. با توجه به نقش رامک (Colit relief)، به عنوان داروی قابض و بندآورنده اسهال، در این مطالعه به بررسی تأثیر فرآورده طب سنتی ایران رامک (Colit relife) در جلوگیری از عود علائم در بیماران مبتلا به کولیت اولسراتیو پرداخته شد.

مواد و روش کار:

در بخش کیفی از کتب اصلی طب سنتی موجود در کتابخانه های معتبر و نرم افزار جامع طب سنتی اسلامی نور و کتاب های اصلی داخلی و مقالات منتشر در سایت های مرجع پزشکی و چاپ شده طب سنتی مورد مطالعه قرار گرفت. در بخش بالینی، بیماران به صورت تصادفی به دو گروه ۲۰ نفره تقسیم می شوند، یک گروه تحت درمان با کورتیکواستروئید (پردنیزولون) و سولفاسالازین و داروی پلاسبو به شکل کپسول های ۲۵۰ میلی گرمی یک بار در روز قرار می گیرند و گروه دوم همراه با همین درمان رایج، فرآورده طب سنتی رامک (Colit relief) را به میزان ۲۵۰ گرم در روز همراه با غذا دریافت می کنند. سپس، علائم بالینی هر دو گروه از لحاظ شدت بیماری و میزان پاسخ به درمان و احتمال عود علائم و عوارض جانبی احتمالی به مدت ۱۰ هفته بعد از آن با پرسشنامه SCCAI ارزیابی می شوند.

نتایج :

یافته ها نشان داد که میانگین نمره ثبات در علائم بالینی بین دو گروه شاهد و مداخله پیش از مداخله ($p=0/13$) و در هفته دوم پس از مداخله ($p=0/14$) اختلاف معناداری را نشان نداد، اما میانگین نمره ثبات در علائم بالینی بین دو گروه شاهد و مداخله، در هفته های چهارم ($p=0/004$)، ششم ($p<0/001$)، هشتم ($p<0/001$) و دهم ($p<0/001$) پس از مداخله، اختلاف معناداری را نشان داد. همچنین، اختلاف میانگین نمره ثبات در علائم بالینی در هفته دوم پس از مداخله نسبت به پیش از مداخله، در گروه شاهد به طور معناداری بیشتر از مقدار مشابه آن در گروه مداخله گزارش شد ($p=0/004$).

همچنین مقایسه میانگین نمرات در پرسشنامه SCCAI در هریک از سؤالات پرسشنامه به تفکیک؛ در بین دو گروه مورد مطالعه نشان داد: تفاوت معناداری در بهبود علامت «فوریت در دفع» در گروه مداخله نسبت به گروه شاهد وجود داشت ($p<0/004$). همچنین در مورد وضعیت «سلامت عمومی» هم بین دو گروه مداخله و شاهد تفاوت معنادار بود ($p=0.03$).

بحث و نتیجه گیری:

مطالعات اخیر به بررسی اثرات درمانی طب سنتی و گیاهی بر بیماری های التهابی پرداخته اند، این در حالی است که تاکنون، مطالعاتی به بررسی اثرات دارویی رامک (Colit relief) بر بیماران با کولیت اولسراتیو نپرداخته است؛ بنابراین به مطالعات بیشتری در این زمینه نیاز است.

به طور کلی، نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از آن است که متخصصین گروه گوارش در کنار داروهای رایج خود، می توانند از داروی رامک (Colit relief) به عنوان دارویی کمکی با عوارض جانبی کمتر برای درمان بیماران با کولیت اولسراتیو بهره ببرند.

عنوان: مقایسه کلینیکی اثر دهان‌شویه انگوزه و دهان‌شویه کلرهگزیدین در کنترل پلاک دندانی

نام و نام خانوادگی استاد راهنما: دکتر مجید امتیازی، دکتر فرزانه سادات وزیری

نام و نام خانوادگی دانشجو: دکتر منیره سیدهاشمی

کلید واژه‌ها: دهانشویه- کلرهگزیدین- انگوزه- شاخص پلاک- شاخص التهاب لثه

مقدمه:

پلاک میکروبی، به عنوان مهم‌ترین عامل ایجادکننده بیماری‌های پریودنتال شناخته شده‌است. بنابراین، کنترل یا حذف آن، به عنوان مهم - ترین اصل در طی مراحل پیشگیری و درمان، باید مورد توجه قرار گیرد. از آنجایی که کنترل پلاک با روش‌های مکانیکی، براساس شواهد موجود، در بسیاری از افراد، برای تامین و حفظ سلامت لثه به تنهایی خوب و کافی نیست، توجه به داروهای شیمیایی، از جمله دهان‌شویه‌ها افزایش یافته‌است. با آن‌که دهان‌شویه کلرهگزیدین بهترین و بیشترین نتیجه را در کنترل پلاک نشان داده‌است، اما به سبب بروز عوارض جانبی، استفاده طولانی‌مدت از آن توصیه نمی‌شود. لذا برآن شدیم با توجه به خاصیت ضد میکروبی عصاره انگوزه دهانشویه حاوی آن را با دهانشویه کلرهگزیدین در کاهش میزان پلاک‌های میکروبی بررسی کنیم.

مواد و روش کار:

۱۲۶ بیمار، به صورت تصادفی و با درگرفتن شرایط ورود به مطالعه، جمله‌سن ۱۸-۳۵ سال عدم وجود بیماری سیستمیک و عدم مصرف آنتی‌بیوتیک حداقل از یک ماه قبل و طی مدت مطالعه، عدم وجواکلورال و کرودینگ شدید دندانی، عدم وجود پاکت بیش از ۳ میلی متر و جرم زیرلثه‌ای، عدم وجود عادات دهانی مضر، عدم درمان پریودنتال (scaling و جراحی) در شش ماه گذشته، عدم باربولون در خانم‌ها انتخاب شدند. پس از Scaling فوق لثه‌ای و به دنبال آن بروساژ، بیماران به مدت یک هفته از هیچ روشی برای کنترل پلاک استفاده نکردند و در پایان هفته اول، ایندکس‌ها (پلاک ایندکس (MG) ثبت گشت بیماران به دو گروه ۶ نفری تقسیم شده و سپس یکی از دهانشویه‌ها به طور دوسو کور انتخاب شده و به مدت یک هفته، تجویز شد از بیماران خواسته شد به مدت یک هفته از هیچ روش دیگری، برای کنترل پلاک استفاده نکنند و تنها دو بار از دهانشویه تجویز شده استفاده کنند در پایان هفته، مجدداً ایندکس‌ها ثبت شد و ایندکس‌های دو گروه به هم مقایسه گردید. پس از جمع‌آوری داده‌ها و انجام کنترل‌های لازم اطلاعات وارد کامپیوتر شده و با استفاده از SPSS و R و STATA و با به کارگیری آمارهای توصیفی مانند میانگین، انحراف معیار، درصد و نسبت و آزمون‌های آماری مناسب مانند T test و K test و در صورت عدم توزیع نرمال هلمر-و-وان پارامتریک معادل آن یعنی man whitney u- test استفاده شد برای متغیرهای کمی ANOVA و repeated measures مورد استفاده قرار گرفت

نتایج:

با توجه به نتایج به دست آمده فراوانی افراد در دو گروه مورد مطالعه بر حسب جنس، سن، تحصیلات و شغل اختلاف معنی داری نداشته‌است. تاثیر دهانشویه انگوزه بر کاهش شاخص التهاب بیش‌تر از دهانشویه کلرهگزیدین می‌باشد. تاثیر دهانشویه انگوزه بر کاهش شاخص پلاک بیشتر از دهانشویه کلرهگزیدین می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری:

از میان عوامل آنتی‌اکتريال که به طور موضعی بر پی پیشگیری و درمان بیماری‌های پریودنتال استفاده می‌شوند مولد آنتی‌سپتیک بیش‌ترین کاربرد را دارند که در این میان کلرهگزیدین به دلیل طیف اثر وسیع و قوی ضد میکروبی ارجح‌تر می‌باشد. دهانشویه کلرهگزیدین تا به امروز نسبت به سایر دهانشویه‌ها دارای بیش‌ترین برتری می‌باشد و تحقیق‌هایی که تاکنون درباره این دهانشویه صورت گرفته نیز بیایگی این مطلب می‌باشد. با توجه به جستجوی انجام گرفته در پایگاه‌های اطلاعاتی مطالعاتی با کارکرد مشابه که اثر دهانشویه انگوزه را بر روی شاخص‌های پریودنتال بررسی نموده‌اند، یافته شده. اما تحقیقات زیادی بر روی اثر آنتی‌بیوتیکی انگوزه که از این ویژگی می‌توان در کنترل پلاک دندانی استفاده کرد انجام شده‌است. با توجه به تاثیر بیشتر دهانشویه انگوزه در کاهش شاخص پلاک دندانی و شاخص التهاب لثه نسبت به دهانشویه کلرهگزیدین و همچنین عوارض کم‌تر این دهانشویه می‌توان در کنار روش‌های مکانیکی برای کنترل پلاک مورد استفاده قرار گیرد.

عنوان : بررسی و مقایسه اثردرمانی فرآورده طب ایاری (ساجی) و پرسیکا بر اندازه زخم و شدت درد آفت دهاری راجعه در بهاران مراجعه کننده به دانشکده دندانپزشکی شهید صدوقی نژاد

نام اساتید راهنما: جناب آقای دکتر مجید امتیازی دکتر خاطره خیراللهی

نام و نام خانوادگی دانشجو : مهدی عدل

کلید واژه ها: آفت، استوماتیت، قلاع، طب ایرانی

مقدمه:

استوماتیت آفتی یکی از شایعترین بیماری های مخاطی دهان است. از مهم ترین اهداف درمان می توان به تخفیف درد و ناتوانی، همچنین کاهش پاسخ های التهابی و تعداد دفعات بروز بیماری اشاره کرد. درمان باید هرچه سریع تر در ساعات اولیه شروع شود. در کتب طب سنتی ایران آفت معادل نوعی بیماری قلاع می باشد. از جمله درمان هایی که در قلاع موثر می باشد استفاده از دهانشویه ها است که در کتب طب سنتی، لغت مضم ضه معادل دهانشویه بکار برده شده است. مضمضه ی مازو، پوست انار، گلنار، سماق، گشنیز و... از این قبیل می باشند. ترکیبات این گیاهان در قالب داروهای مرکبه اثر قوی تری دارد. در طب سنتی ایرانی داروهای مرکب فراوانی استفاده می شوند. یکی از این داروهای مرکب «رامک» نام دارد (از ترکیبات رامک در فرآورده ساجی استفاده می شود). با توجه به موارد ذکر شده و شیوع بالای آفت دهانی راجعه و با توجه به اینکه هنوز درمان قطعی در رابطه با این معضل وجود ندارد؛ بر آن شدیم تا تاثیر داروی مرکبه رامک (ساجی) را بر آفت دهانی راجعه (RAS) بررسی نماییم

مواد و روش کار:

تعداد ۵۲ بیمار (در هر گروه ۲۶ نفر) بعد از ورود به مطالعه بیماران گروه مداخله، تحت درمان با فرآورده طب سنتی (ساجی) و داروی پرسیکا (طبق دستور) قرار گرفتند. بدین صورت که ۱۵ میلی لیتر از دهانشویه ساجی را هر ۶ ساعت استفاده کردند و در هر بار استفاده، ۳۰ بشیه محلول را داخل دهان نگه داشتند. در گروه شاهد نیز این فرایند با دارونما و داروی پرسیکا انجام گرفت. میزان درد و اندازه ضایعه آفتی بیماران در روز اول مراجعه ثبت شد روز چهارم ارزیابی مجدد از نظر شدت میزان درد و اندازه ضایعه آفتی انجام گردید. شدت میزان درد از طریق معیار استاندارد Visual Analog Scale (VAS) اندازه گیری شد و همچنین اندازه ضایعه آفتی نیز به وسیله کاغذ میلیمتری سنجیده شد. پس از جمع آوری اطلاعات، آن ها را کد گذاری نموده و وارد کامپیوتر کردیم و با استفاده از نرم افزار SPSS23 و آزمون های ANOVA, T-TEST و با معادل ناپارامتریک آن و آزمون کای اسکور استفاده شده است.

نتایج :

با توجه به نتایج به دست آمده فراوانی افراد در دو گروه مورد مطالعه بر حسب جنس، سن، اندازه ی ضایعه و تعداد عود در سال اختلاف معنی داری نداشته است. تاثیر دهانشویه ی ساجی بر کاهش اسکور درد بیش تر از دارونما می باشد. تاثیر دهانشویه ساجی بر کاهش سائز ضایعه بیشتر از دارونما می باشد.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج این مطالعه، به نظر می رسد که دهانشویه ی ساجی می تواند علائم RAS را در مقایسه با دارونما بهبود بخشد. با این حال، آزمایشات بالینی بیشتر با اندازه نمونه بزرگتر و مدت زمان طولانی تر مطالعه برای قضاوت بهتر در مورد اثربخشی و ایمنی آن مورد نیاز است.

عنوان: مقایسه اثربخشی شربت شنبلیله و شربت عسل با دارونما در بیماران مبتلا به آسم خفیف
نام و نام خانوادگی استاد / اساتید راهنما: دکتر مجید امتیازی – مهندس محمد کمالی نژاد - دکتر
مینو حبیبی
نام و نام خانوادگی دانشجو: لاله عویدزاده
کلید واژه ها: آسم، طب ایرانی، شنبلیله، اینترلوکین ۴، عسل، حلبه

مقدمه و اهداف: آسم یکی از بیماریهای مزمن مهم است. در سالهای اخیر شیوع آسم افزایش یافته است. علیرغم وجود داروهای خوب کنترل کننده آسم مانند کورتیکواستروئیدها، حدود ۶۰ درصد بیماران آسمی از طب جایگزین استفاده می کنند. این مطالعه انجام پذیرفت تا اثر دانه گیاه شنبلیله (حلبه) را در بیماران با آسم خفیف مشخص کند .

مواد و روشها: این مطالعه یک مطالعه سه سوکور با اثر دارونما بوده است. فرمولاسیون دارو بر اساس یکی از نسخ قدیمی در طب ایرانی انتخاب شد. شرکت کنندگان در این طرح به صورت تصادفی وارد سه گروه شدند. یک گروه شربت شنبلیله و یک گروه شربت عسل و یک گروه دارونما مصرف کردند. مدت زمان مطالعه چهار هفته بود. در این مطالعه از پرسشنامه کنترل آسم و کیفیت زندگی، اینترلوکین ۴، پارامترهای اسپیرومتری استفاده شد.

نتایج: از ۹۰ نفر بیمار وارد شده در مطالعه ۷۹ نفر مطالعه را به پایان رساندند . افزایش در پارامترهای اسپیرومتری، کیفیت زندگی و کنترل آسم، میزان اینترلوکین ۴ در گروه شنبلیله و عسل از نظر آماری چشمگیر بود.

بحث و نتیجه گیری: افزایش FEV₁ پس از مطالعه در گروه شنبلیله بیش از ۱۰ درصد بود. درمان به خوبی تحمل شده بود . هیچ عارضه خطرناکی در طول پروسه مطالعه گزارش نشد. به نظر می رسد شربتی از دانه های شنبلیله در درمان بیماران با آسم خفیف موثر است.

عنوان: بررسی تأثیر تدابیر تغذیه‌ای از دیدگاه طب سنتی ایران بر میزان HbA_{1c} بیماران دیابتی نوع ۲ مراجعه کننده به مرکز دیابت یزد

نام و نام خانوادگی استاد / اساتید راهنما: دکتر مجید امتیازی – دکتر مسعود رحمانیان

نام و نام خانوادگی دانشجو: سیدکاظم کاظمینی

کلید واژه‌ها: طب سنتی ایران، دیابت، تغذیه

مقدمه:

دیابت ملاتوس یکی از مهم‌ترین بیماری‌های مزمن در جهان است که مرگ و میر زیادی را به دنبال دارد. درمان‌های زیادی در طب رایج و سنتی برای این بیماری وجود دارد، که در طب سنتی ایران استراتژی‌های درمانی متفاوتی از تجویز داروهای گاه‌ی تا تغذیه در سبک زندگی پیشنهاد شده است

مواد و روش کار:

در این کارآزمایی بالینی ۵۴ بیمار را که شرایط حضور در مطالعه را داشتند به دو گروه تقسیم نمودیم، در گروه مداخله به مدت سه ماه تحت تدابیر تغذیه‌ای طب سنتی قرار گرفتند و گروه کنترل مراقبت روتین درمانی خود را دریافت نمودند در هردو گروه میزان قند خون ناشتا و HbA_{1c} در شروع و سه ماه بعد از آن مورد بررسی قرار گرفت

نتایج:

کاهش معنادار آماری در میزان قندخون ناشتا ($165/48 \pm 30/18$) در مقابل $Pvalue(203/92 \pm 42/66)$ برابر $0/001$ و نیز HbA_{1c} ($7/57 \pm 0/51$) در برابر $Pvalue(8/05 \pm 0/82)$ برابر $0/000$ در گروه مداخله در مقایسه با گروه کنترل وجود داشت.

بحث و نتیجه گیری:

: این مطالعه بر خلاف اکثر مطالعات که به محتوای تغذیه بیماران پرداخته‌اند، به سبک درست غذاخوردن پرداخته است، در مقایسه با مطالعات مشابه، تعداد نمونه در حد متوسطی بود که بهتر است مطالعات بعدی با تعداد نمونه بیشتر و مدت پیگیری طولانی‌تری صورت گیرد. و نتیجه اینکه، تغذیه بر اساس طب سنتی ایران می‌تواند به عنوان روش در دسترس و کم هزینه در کنترل قند خون بیماران مؤثر باشد.

عنوان : بررسی اثر بادکش درمانی در بهاران مبتلا به نفخ عملکردی

نام و نام خانوادگی استاد / اساتید راهنما: دکتر راضی نبی مهدی

نام و نام خانوادگی دانشجو : محمدسعید کلانتری مهدی

کلید واژه ها: نفخ شکم، طب مکمل، حجامت خشک، علائم دستگاه گوارش، دایستی کون

مقدمه:

نفخ شکم یکی از شایعترین مشکلاتی است که میتواند بر کیفیت زندگی بهاران تأثیر بگذارد. نفخ شکم در هر سنی و به خصوص در افراد دارای بهاری های عملکردی دستگاه گوارش شایع است. تقریباً ۱۰-۳۰٪ افراد سالم نفخ شکم را تجربه کرده‌اند. در بین بهاران گوارشی، این شروع ۹۰٪ نه گزارش شده است. داروهای متنوعی برای درمان این بهاری وجود دارد ولی کارایی لازم را در درمان نفخ ندارند، از این رو طب مکمل و بخصوص طب آیاری میتواند به بهبود و تسریع درمان نفخ کمک کند. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر بادکش درمانی در بهاران مبتلا به نفخ شکم میباشد.

مواد و روش کار:

در این مطالعه کارآزمایی بالینی تصادفی، ۷۰ بهار به طور تصادفی به دو گروه مداخله (بادکش درمانی و ۴۰ مای گرم خوراکی دایستی کون) و کنترل (دریافت ۴۰ مای گرم خوراکی دایستی کون) تقسیم شدند و به مدت دو هفته درمان را دریافت کردند. علائم گوارش مرتبط با نفخ، قبل از مداخله، دو هفته پس از شروع درمان و دو هفته پس از قطع درمان ثبت شد.

نتایج :

نتایج نشان داد که فراواری صدای شکم، شدت نفخ شکم و فراواری تکرر نفخ شکم در دو هفته پس از مداخله و دو هفته پس از قطع درمان، در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل کاهش معنی داری نشان داد. همه متغیرها در هر دو گروه، قبل و بعد از مداخله از نظر آماری معنی دار بودند، اما تغییرات مشاهده شده در گروه مداخله بیشتر از گروه شاهد بود.

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس این مطالعه، بادکش درمانی همراه با دایستی کون، میتواند علائم نفخ شکم را بهبود بخشد.

عنوان : بررسی اثر بخشی مصرف عرق کاسنی و رب انار توسط زنان باردار، بر کاهش زردی نوزدان
نام و نام خانوادگی استاد/ اساتید راهنما: ۱- آقای دکتر مهرداد شکبیا ۲- آقای مهندس محمد کمالی نژاد

نام و نام خانوادگی دانشجو : محسن منوچهریان

کلید واژه ها: زردی نوزادی، سوء مزاج گرم، فتوتراپی، رب انار، عرق کاسنی

مقدمه: زردی یکی از عوارض شایع در میان نوزادان است که مادر را وامی دارد تا در دوران نفاس و ضعف خود مراجعات مکرر پزشکی و آزمایشگاهی و در مواردی بستری کردن نوزاد در بیمارستان و درمان از طریق فتوتراپی ضرورت داشته باشد.

تا آنجا که مطالعات ما نشان می دهد تاکنون روش خاصی برای جلوگیری از ابتلای نوزادان به زردی پیشنهاد نشده است؛ اما برای درمان زردی نوزادان، برخی داروهای گیاهی و فتوتراپی و در موارد حاد، تعویض خون توصیه شده است

با توجه به توصیه های طب سنتی ایران، ما تصمیم گرفتیم مطالعه ای در باب کارایی و تاثیر بخشی بهره گیری از آب کاسنی و رب انار و نقش آن در میزان زردی نوزادان به عمل آوریم. دلیل اصلی این طرح از این امر ناشی می شد که بر طبق توصیه طب سنتی ایران استفاده از این دو ماده، به زنان باردار چه برای رفع زردی نوزادان شان و چه برای تقویت کارکرد کبدشان توصیه شده بود.

مواد و روش کار: در این تحقیق تصادفی یک سو کور، ۱۲۰ زن باردار کاملاً سالم، به مشارکت دعوت و به سه گروه مساوی تقسیم شدند. اولین گروه ۴۰ نفری گروه شاهد و دو گروه دیگر گروه های مداخله ۱ و ۲ بودند. به گروه های مداخله ۱ و ۲، از هفته ۳۴ بارداری به بعد به ترتیب عرق کاسنی و رب انار به عنوان مکمل غذایی داده شد.

از مادران خواسته شد که در روز پنجم تولد نوزاد، برای تعیین میزان بیلی روبین خون نوزاد (یا بیلی تست) به گروه تحقیق مراجعه کنند؛ همچنین به آن ها توصیه شد که چنانچه نوزاد زودتر از روز پنجم تولد دچار زردی شد، به درمانگاه مراجعه کنند. با توسل به این شیوه بالاترین میزان بیلی روبین تا روز پنجم تولد ثبت و از نظر آماری مقایسه بین سه گروه صورت گرفت.

نتایج : از ۳۶ نفر متولد شده در گروه شاهد، ۲۷/۷٪ آن ها دچار زردی شدید یا بیلی روبین مساوی یا بیشتر از ۱۳ و نیازمند به انجام فتوتراپی شدند؛ ۵۰٪ نوزادان دچار زردی متوسط با بیلی روبین بیشتر از ۵ mg/dl و کمتر از ۱۳ mg/dl شدند، و ۲۲/۲٪ دچار زردی مشهود نشدند که میزان بیلی روبین خون آن ها مساوی یا کمتر از ۵ mg/dl بود. معدل حداکثر میزان بیلی روبین خون نوزادان تا روز پنجم در این گروه ۹/۸۱ شد.

از ۳۴ نوزاد متولد شده در گروه ۲ (مداخله با عرض کاسنی) ۳۲/۴٪ آنها دچار زردی مساوی یا بیشتر از ۱۳ mg/dl و نیازمند به انجام فتوتراپی شدند. ۳۸/۲٪ آنها دچار زردی بین ۵ تا ۱۳ mg/dl شدند، و ۲۹/۱٪ نوزادان دچار زردی مشهود نشدند و بیلی روبین خونشان مساوی یا زیر ۵ mg/dl بود. معدل حداکثر میزان بیلی روبین خون نوزادان این گروه تا روز پنجم ۹/۵۲ شد.

از ۳۴ نوزاد متولد شده در گروه ۳ (مداخله با رب انار) فقط ۲ مورد (۶/۶٪) دچار زردی مساوی یا بیشتر از ۱۳ mg/dl شدند که توسط متخصصان نوزادان توصیه به انجام فتوتراپی شده بودند، ۴۶/۷٪ آنها دچار زردی بیشتر از ۵ mg/dl و کمتر از ۱۳ mg/dl شدند، و ۴۶/۷٪ نوزادان دچار زردی مشهود نشده و بیلی روبین خونشان مساوی یا کمتر از ۵ mg/dl بود. معدل حداکثر میزان بیلی روبین خون نوزادان این گروه برابر ۷ شد.

بحث و نتیجه گیری: یافته های ما در این مطالعه نشان می دهد که مصرف عرق کاسنی با دوز داده شده اثربخشی مشهودی در کاهش زردی نوزادان ندارد؛ ولی مصرف رب انار با دوز ۷ و مدت یاد شده تأثیر چشمگیری در کاهش معدل حداکثر میزان بیلی روبین نوزادان نسبت به دو گروه دیگر داشت (P value = ۰/۰۲۱) و همچنین در گروه مداخله با رب انار بطور معنی داری، تعداد کمتری از نوزادان نیاز به درمان با استفاده از فتوتراپی، پیدا کردند (P value = ۰/۰۲۹).

عنوان : بررسی اثر پماد گیاه خبازی بر علایم بالینی بیماران مبتلا به درماتیت آتوپیک (ملایم و متوسط) در مقایسه با نرم کننده اسرین در گروه سنی ۶ ماهه تا ۱۲ سال

نام و نام خانوادگی استاد / اساتید راهنما: جناب آقای دکتر مجید امتیازی، جناب آقای دکتر محمد ابراهیم زاده اردکانی

نام و نام خانوادگی دانشجو : دکتر مهشید میثمی

کلید واژه ها: اسرین، خبازی، درماتیت آتوپیک، طب ایرانی، طب گیاهی

مقدمه:

استفاده از گیاه خبازی در طب ایرانی در درمان بیماری‌هایی نظیر سوختگی، کهیر و سایر بیماری‌های پوستی سابقه‌ای تاریخی دارد. استفاده‌ی فراوان این گیاه در طب ایرانی و اثرات فارماکولوژیک تایید شده اش ما را بر آن داشت تا به منظور بررسی اثرات مفید و بی‌خطری آن در درماتیت آتوپیک اطفال در کوتاه مدت، این تحقیق را طرح ریزی کنیم.

مواد و روش کار:

۵۱ بیمار مبتلا به درماتیت آتوپیک به طور اتفاقی در دو گروه موازی در یک کارآزمایی بالینی پایلوت دوسوکور با پلاسبو، مورد مطالعه قرار گرفتند. بیماران با پماد خبازی یا نرم کننده ی اسرین به میزان تقریبی یک واحد سر انگشت به دفعات دو بار در روز تحت درمان و بررسی قرار گرفتند. بیماران قبل از قرار گرفتن در لیست و در هفته ی دوم و چهارم، براساس نمره ی آبجکتیو علایم ضخامت و قرمزی درماتیت آتوپیک و نمره ی سابجکتیو شکایت خارش بر پایه ی لیست سوالات ایندکس اسکوراد و نمره ی کلی اسکوراد بررسی شدند. همچنین کلیه ی اثرات جانبی داروها چک شد. در طول دوره ی درمان ۳ بیمار از گروه مداخله و ۴ بیمار از گروه شاهد دوره ی درمان را کامل نکردند و نهایتاً ۴۴ بیمار مورد بررسی قرار گرفتند (در هر گروه ۲۲ بیمار).

نتایج :

میانگین نمره ی اسکوراد ضخامت، اسکوراد قرمزی و نمره ی اسکوراد کلی گروه مداخله به طور معناداری از نمره ی پلاسبو کمتر بود ($P < 0.001$ و $P < 0.001$ و $P < 0.001$).

بحث و نتیجه گیری:

این مطالعه ی پایلوت نشان داد که می توان خبازی را برای بهبود علائم و نشانه های درماتیت آتوپیک تجویز کرد، اما کارآزمایی‌های طولانی‌تر با تعداد نمونه‌ی بیشتر برای به دست آوردن دانش کافی در مورد کارایی و بی‌خطری خبازی لازم است.

عنوان : بررسی اثر بخشی آب چغندر قرمز در درمان شپش سر

نام و نام خانوادگی استاد/ اساتید راهنما: مجید امتیازی، محمد ابراهیم زاده

نام و نام خانوادگی دانشجو: حبیب همت

کلید واژه‌ها: آلودگی به شپش، رشک، خارش سر، پرمترین، آب چغندر، طب ایرانی

مقدمه: آمار قابل توجهی از مراجعین به مراکز سلامت جامعه در شهر و روستا مربوط به بیماری پدیکولوزیس است . با وجود پیشرفت در بهداشت عمومی، این بیماری شیوع بالایی دارد و بخصوص در فصل پائیز و زمستان و بازگشایی مدارس به وفور یافت می شود. درمان های زیادی در طب رایج و طب سنتی برای آن وجود دارد . از جمله گیاهان مورد استفاده در طب ایرانی گیاه چغندر قرمز (*red beta vulgaris*) است که بومی منطقه ایران هم می باشد. این گیاه اثرات درمانی زیادی دارد و در منابع طب ایرانی به اثرات ضد شپش آن اشاره شده است. ما در این مطالعه به بررسی اثر آب چغندر در درمان شپش سر پرداختیم.

مواد و روش کار: این کارآزمایی بالینی تصادفی شده شاهد دار بر روی ۲۸۰ نفر از مراجعین به مراکز سلامت جامعه در شهر یزد و اردکان که آلودگی آن ها به شپش سر توسط همکاران پزشک محرز شده بود، انجام شد . بیماران به صورت تصادفی به دو گروه کنترل (۱۴۰ نفر) و مداخله (۱۴۰ نفر) تقسیم شدند هر یک از بیماران از نظر سه متغیر (شپش، رشک و خارش) مورد معاینه قرار گرفتند و به هر یک از متغیرها نمره داده شد . نمره صفر یعنی بیمار بدون شپش و یا رشک و یا خارش است، نمره یک به معنی این است که بیمار یک تا پنج عدد شپش و یا رشک داشته و یا خارش سطحی دارد . نمره دو یعنی که بیمار بیش از پنج عدد شپش و یا رشک داشته و یا خارش متوسط دارد . به گروه کنترل شامپو پرمترین یک درصد و به گروه مداخله آب چغندر قرمز داده شد. یک روز پس از استفاده از دارو هر دو گروه از نظر داشتن شپش، رشک و میزان خارش بررسی شده و دوباره به آنان نمره داده شد.

میزان رضایتمندی بیماران از هر دو گروه با سوال از آنان بر حسب رضایت کم، متوسط و زیاد ارزیابی شد و در پرسشنامه ثبت شد.

نتایج: قبل از درمان، میانگین رتبه فراوانی شپش و رشک در گروه کنترل (دریافت کنندگان شامپو پرمترین یک درصد) و گروه مداخله (دریافت کنندگان آب چغندر قرمز) تفاوت معنی داری نداشت ($PV > 0.05$) اما پس از درمان این تفاوت در هر دو گروه معنی دار شد ($PV < 0.05$).

میانگین نمره خارش در دو گروه قبل و بعد از مداخله تفاوت معنا دار آماری نداشت ($Pvalue > 0.05$).

از نظر رضایت از درمان در گروه در یافت کننده آب چغندر، رضایت بیشتری مشاهده شد ($PV < 0.05$).

بحث و نتیجه گیری: : این مطالعه نشان داد که آب چغندر قرمز در درمان بیماری پدیکولوزیس موثر است و می تواند به کاهش شپش، رشک و خارش سر کمک کند . از آن جا که شامپو پرمترین در مادران باردار و نوزادان منع مصرف دارد می توان از آب چغندربه عنوان یک راه آسان و بدون عارضه در این گروه از بیماران جهت کنترل این معضل بهداشتی از طریق مراکز سلامت به بیماران پیشنهاد داد. از آن جا که ابتلا به شپش سر معمولا در اعضای یک خانواده اتفاق می افتد ، بنابراین کنترل بیماری باید به صورت دسته جمعی صورت گیرد تا موثر واقع گردد . به نظر می رسد از نظر درمان خانوادگی، آب چغندر جهت کاهش بار بیماری در جامعه ظرفیت مناسب تری نسبت به پرمترین داشته باشد.

عنوان : بررسی و مقایسه اثر گیاه بوزیدان بر تعداد و تحرک اسپرم در مردان مبتلا به اختلال در مایع منی
نام و نام خانوادگی استاد / اساتید راهنما: جناب آقای دکتر مجید امتیازی، جناب آقای دکتر محمود خدادوست
نام و نام خانوادگی دانشجو : دکتر مهدی رشیدی
کلید واژه ها: ناباروری، عقر، گیاه بوزیدان، مایع منی

مقدمه:

ناباروری یک مشکل شایع با پیچیدگی‌های فیزیولوژیک، دموگرافیک، اکونومیک و پزشکی می‌باشد . ناباروری عبارت است از یکسال مقاربت منظم محافظت نشده توسط زوجین کمتر از ۳۵ سال و شش ماه در زوجین بالای ۳۵ سال و بلافاصله در زوجین بالای ۴۱ سال که منجر به حاملگی نشود، ۱۵٪ زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد . ۳۰-۴۰٪ از دلایل ناباروری مردان مربوط به اختلالات اسپرم است . مهمترین علت ناباروری در مردان ، عدم توانایی آنها در تولید اسپرم سالم ، فعال و تحرک کافی است ، بنابراین هدف از این مطالعه تعیین تأثیر پودر بوزیدان بر روی مردان دارای اختلالات مایع منی بود.

مواد و روش کار:

این مطالعه یک کارآزمایی بالینی تصادفی دو سو کور است . افراد پس از کسب رضایت آگاهانه و داشتن معیارهای ورود و خروج وارد مطالعه شدند . همه افراد به طور بالینی توسط متخصص ارو لوژی مورد بررسی قرار گرفتند . آزمایش خون و ادرار نیز برای اطمینان از وضعیت سلامتی افراد انجام شد . افراد در ۴ هفته قبل از شروع مطالعه و تا پایان مطالعه هیچ داروی مهارکننده PDE-V یا گلوکوکورتیکوئید، داروهای شیمیایی، گیاهی و هورمونی برای درمان ناباروری مصرف نکردند و بیماران گروه گیاهی ۵ گرم از ریشه گیاه بوزیدان در ۵ نوبت استفاده کردند و سرانجام اطلاعات دموگرافیک از کلیه افراد به دست آمد و محاسبات آماری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS۲۰ انجام شد.

نتایج :

با توجه به نتایج به دست آمده فراوانی افراد در دو گروه مورد مطالعه بر حسب سن اختلاف معنی داری نداشته است . تأثیر ریشه گیاه بوزیدان بر افزایش تعداد اسپرم بیش تر از دارونما است . همچنین تأثیر آن بر افزایش حرکت اسپرم بیشتر از دارونما می‌باشد . اما تأثیر این دارو بر افزایش حجم مایع منی اختلاف معنی داری نداشته است.

بحث و نتیجه گیری:

استفاده از گیاهان دارویی با خاصیت تقویت باروری مردان می‌تواند به عنوان جایگزین یا مکمل داروهای شیمیایی مؤثر بر باروری مردان استفاده شود . از طرف دیگر ، توصیه می‌شود که در مردان مبتلا به اختلالات ناباروری از داروهای شیمیایی با خاصیت کاهش دهنده باروری کمتر استفاده شود یا استفاده نشود .

عنوان : بررسی اثربخشی "کپسول گیاهی بادرنجبویه و گل سرخ" بر کاهش تری‌گلیسرید خون بیماران دیابتی تیپ ۲ مراجعه کننده به درمانگاه‌های دیابت در مقایسه با دارونما؛ کارآزمایی بالینی شاهددار تصادفی شده دو سو کور

نام و نام خانوادگی استاد / اساتید راهنما: جناب آقای دکتر مجید امتیازی- جناب آقای مهندس محمد کمالی نژاد

نام و نام خانوادگی دانشجو : ندا ناییبی

کلید واژه ها : دیس لیپیدمی، دیابت، بادرنجبویه (*Melissa officinalis* L.)، طب سنتی ایران، طب گیاهی، سندرم متابولیک

مقدمه:

درمان دیس‌لیپیدمی (اختلال چربی خون) از اصول مهم پیشگیری از مرگ و میر و عوارض بیماری قلبی - عروقی بویژه در دیابتی‌ها بشمار می‌آید. با توجه به رغبت روز افزون مراکز علمی جهت دستیابی به فرآورده‌های مکمل گیاهی موثر و کم خطرتر، بر اساس مبانی طب ایرانی مطالعه‌ای طراحی شده است تا اثربخشی و ایمنی کوتاه مدت کپسول گیاهی بادرنجبویه و گل سرخ مورد بررسی قرار بگیرد.

مواد و روش کار:

در این کارآزمایی بالینی دو سو کور ۳۷ بیمار مبتلا به دیابت تیپ ۲ و دارای سطح سرمی تری‌گلیسرید بالا به طور تصادفی در دو گروه موازی دارو و دارونما وارد شدند به بیماران به مدت ۳ ماه روزی دو عدد کپسول ۵۰۰ میلی‌گرمی (کپسول دارو از مخلوط ۳۵۰ میلی‌گرم عصاره بادرنجبویه و ۱۵۰ میلی‌گرم عصاره گل سرخ، کپسول دارونما ۵۰۰ میلی‌گرم نشاسته ذرت) یکی بعد از صبحانه و یکی بعد شام تجویز شد. ماهانه بیماران از نظر پروفایل لیپیدی و رژیم غذایی و سایر شکایات مورد ارزیابی قرار می‌گرفتند علاوه بر آنکه فشار خون، شاخص‌های بیوشیمیایی و آنتروپومتریک قبل و بعد مطالعه انگنوی شدند

نتایج :

در پایان مطالعه تغییرات متابولیک اندازه گیری شده بین دو گروه معنی دار نبوده است لیکن میانگین میزان کاهش سطوح سرمی تری‌گلیسرید پایه در گروه دارو بیشتر از گروه دارونما بوده است (۴۴.۲۷ در مقابل ۱۰.۹۳ میلی‌گرم در دسی‌لیتر) بطوریکه کاهش مقادیر پایه ای تری‌گلیسرید در بیماران دارای مقادیر بالاتر یا مساوی ۲۰۰ میلی‌گرم در دسی‌لیتر که دارو دریافت کرده بودند معنی دار بوده است ($P=0.04$). همچنین کاهش معنی دار فشارخون‌های سیستمیک پایه بیشتر یا مساوی ۱۳۰ میلی‌متر جیوه و دیاستولیک پایه بیشتر یا مساوی ۸۵ میلی‌متر جیوه در گروه دارو ($P=0.02$) دیده شد. علاوه بر این که هیچگونه عارضه جدی بالینی مشاهده نشد اثرات مثبتی در کاهش آنزیم‌های کبدی در زنان مصرف کننده دارو به ثبت رسید.

بحث و نتیجه گیری:

فرآورده بادرنجبویه بر پایه مبانی طب ایرانی می‌تواند اثرات مثبتی در تنظیم متابولیسم چربی و معیارهای سندرم متابولیک در بدن داشته باشد با این حال مطالعات طولانی تر با حجم نمونه بزرگتر برای دستیابی به شواهد جامع‌تری در مورد اثر بخشی و ایمنی آن مورد نیاز است.

عنوان: بررسی اثر اتریفل صغیر روی چربی سر بیماران مبتلا به سبوروی سر مراجعه‌کننده به کلینیک پوست در مقایسه با دارونما کارآزمایی بالینی شاهددار تصادفی شده دوسوکور

نام و نام خانوادگی استاد / اساتید راهنما: جناب آقای دکتر امتیازی-سرکار خانم دکتر منصوری

نام و نام خانوادگی دانشجو: الهام زارعی

کلید واژه‌ها: اتریفل، پره بیوتیک، دستگاه گوارش، سبوره، پوست چرب

مقدمه:

ترشح بیش از اندازه چربی به سطح پوست مشکل بسیار شایعی به خصوص در میان جوانان بوده و گزینه های درمانی مختلفی برای کاهش آن وجود دارد، اما عوارض جانبی احتمالی آن ها، بخصوص در استفاده طولانی مدت، همواره مورد توجه پزشکان بوده است. این کارآزمایی بالینی، بر مبنای دیدگاه طب سنتی ایرانی، برای بررسی اثر داروی گیاهی اتریفل صغیر بر کاهش ترشح سبوم پوست سر در بیماران مبتلا به سبوره ی سر، طراحی شده است.

مواد و روش کار:

کارآزمایی بالینی حاضر به صورت مطالعه هفته ای تصادفی کنترل شده با دارونما طراحی شد شرکت کنندگان، بیماران مبتلا به سبوروی سر از ۱۴ تا ۵۰ ساله بودند پس از غربالگری ۱۰۹ نفر، ۹۴ بیمار واجد شرایط در دو گروه تصادفی قرار گرفتند بیماران از گروه دارونما پس از امضای فرم رضایت آگاهانه، اما قبل از شرکت در سنجش اولیه شروع هرگونه مداخله، انصراف دادند در مجموع، ۹۱ بیمار (۴۷ نفر در گروه دارو؛ ۴۴ نفر در گروه دارونما) در کارآزمایی شرکت کردند مداخله، به صورت استفاده دو بار در روز کپسول های حاوی ۱ گرم از ترکیب گیاهی اتریفل صغیر (استاندارد شده براساس $91/82 \pm 0.5$ میلی گرم گالیک اسید در هر گرم اتریفل)، یا دارونما (آرد گندم)، اجرا شد

نتایج:

سطح سبوم پوست سر با استفاده از Sebumeter® sm ۸۱۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و رضایت از درمان با استفاده از بیان درصد رضایت از روند درمان بین ۰ تا ۱۰۰ اندازه گیری شد. پس از ۸ هفته پیگیری، شرکت کنندگان در گروه دارو، به میزان ۲۵/۳۴ درجه نسبت به گروه دارونما بهبودی بیشتری را تجربه کردند (۹۵٪ CI، ۲۹۹: ۵۰.۲۹-۰.۳۹) میزان رضایت در گروه دارو ۳۹/۱۷ درصد بوده است، در حالی که در گروه دارونما ۱۷/۸۹ درجه بوده است (p= ۰/۰۰۱).

بحث و نتیجه گیری:

این مطالعه نشان داد که، ترکیب گیاهی اتریفل صغیر که اثرات پره بیوتیکی دارد در کاهش میزان سبوم پوست سر مؤثر است و ممکن است بتواند به عنوان یک گزینه درمانی جدید در بیماران مبتلا به سبوره ی سر باشد.

عنوان : تعیین میزان اثر بخشی مالجبن ، فراورده طب سنتی ایران ، بر بیش فعالی در اختلال ADHD

نام و نام خانوادگی استاد / اساتید راهنما: دکتر مجید امتیازی، دکتر مصطفی نجفی

نام و نام خانوادگی دانشجو : زینب مستاجران

کلیدواژه ها : اختلال نقص توجه، بیش فعالی (ADHD)؛ طب مکمل؛ پروتئین آب پنیر؛ طب سنتی ایرانی

سابقه و هدف:

اختلال نقص توجه، بیش فعالی (ADHD) یک اختلال شایع ، مزمن و عصبی روانی است که در کودکان با علائم بیش فعالی، بی توجهی و تحریک پذیری بروز می کند. مالجبن (نوعی پروتئین آب پنیر) که در فرآیند تولید پنیر از شیر حاصل می شود ، پروتئین آب پنیر باعث افزایش سطح سروتونین در مغز می شود، همچنین پروتئین آب پنیر باعث بهبود توانایی شناختی و مقابله ای در موارد استرس شدید می شود. از این رو مطالعه حاضر با هدف بررسی و تعیین میزان اثر بخشی مالجبن ، فراورده طب سنتی ایران ، بر بیش فعالی در اختلال ADHD انجام شده است.

مواد و روش:

در این کارآزمایی بالینی تصادفی ، کنترل شده ، شصت و چهار بیمار مبتلا به ADHD که به درمانگاه کودکان بیمارستان خورشید اصفهان ، ایران مراجعه کرده بودند ، به طور تصادفی در دو گروه مداخله (مالجبن ۲۵ گرم یک بار در روز به علاوه درمان معمول استاندارد) و گروه کنترل به مدت ۸ هفته قرار گرفتند. بهبود با استفاده از مقایسه مقیاس های آزمون های (SDQ) قبل و ۸ هفته پس از درمان و همچنین آزمون کارآمد (CPT) Conners توسط محقق ارزیابی شدند.

یافته ها:

مقیاس بیش فعالی SDQ گزارش شده از والدین در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل کاهش معنی داری نشان داد ($P = ۰.۰۴$). با این حال ، هیچ اختلاف معنی داری بین سایر گروه ها در مقیاس های دیگر SDQ گزارش شده از والدین مشاهده نشد. همچنین ، طبق نتایج CPT ، در گروه مداخله از نظر نمره توجه و تمرکز پیشرفت معنی داری مشاهده شد ($P = ۰.۰۱$).

نتیجه گیری:

مالجبن ممکن است به عنوان یک درمان مکمل برای بهبود بیش فعالی ، توجه و تمرکز کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه بیش فعالی در نظر گرفته شود. با این حال ، تحقیقات بیشتری با اندازه نمونه بزرگتر و مدت زمان طولانی تر برای دستیابی به نتایج قابل اطمینان تر باید انجام شود.

عنوان : بررسی تاثیر عصاره آبی گلبرگ گل سرخ در مقایسه با شربت لاکتولوز بر یبوست عملکردی کودکان ۱ تا ۱۸ سال مراجعه کننده به کلینیکهای دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

نام و نام خانوادگی استاد / اساتید راهنما: دکتر مجید امتیازی، دکتر محمود نوری شادکام

نام و نام خانوادگی دانشجو : دکتر محمد حسن نجفی

کلید واژه ها: یبوست، مسهل، ملین، لاکتولوز، برگ گل محمدی، عصاره آبی برگ گل محمدی

مقدمه: یبوست به عنوان یکی از شایعترین دلایل مراجعه به کلینیکهای بیماریهای اطفال و نزدیک سی درصد مراجعات کلینیکهای تخصصی گوارش است که مهمترین دلیل آن غیر عضوی و عاداتی است، یبوست در طب سنتی ایران اهمیت زیادی دارد تا آنجا که به عنوان عارضه و سبب بسیاری از بیماریها شناخته میشود و از آن به ام الامراض یاد میشود، در تعریف یبوست از دیدگاه طب سنتی ایرانی بر خلاف طب کلاسیک، سخت گیری بیشتری شده است و در بسیاری از موارد آنچه را طب کلاسیک یبوست نمیداند در این عارضه دسته بندی کرده است لذا توصیه ها و درمانهای متعددی در این مکتب طبی پیشنهاد شده است. در طب کلاسیک برای درمان یبوست علاوه بر اصلاح تغذیه از چهار دسته دارو استفاده میشود که انتخاب آنها بر اساس ترجیح پزشک، پاسخ بیمار به درمان و عوارض دارو و قیمت آن است. در طب سنتی ایران ملینهایی که برای درمان یبوست به کار میروند پایه خوراکی یا گیاهی دارد و هم اکنون نیز، مردم برای درمان یبوست از آن استفاده میکنند، استفاده از مواد خوراکی مثل سبزیجات، انجیر، زردآلو و هلو، روغنهایی مثل روغن زیتون، دمنوشهای گیاهی مثل گل محمدی و افزودنیهایی مثل پودر خشک گل محمدی و تمر هندی. در این مطالعه با توجه به پذیرش عمومی این توصیه ها و جهت کاهش هزینه های درمانی، مقایسه ای بین استفاده از لاکتولوز به عنوان یک ملین شایع و موثر برای درمان یبوست و عصاره آبی برگ گل محمدی انجام شد که به فراوانی در دسترس است. در کنار استفاده از این دو محصول دارویی در دو گروه مختلف، برای هر دو گروه اصلاح تغذیه و استفاده از ملینهای خوراکی غذایی صورت گرفت.

مواد و روش کار: تعداد ۷۰ نفر بیمار، به صورت تصادفی و با در نظر گرفتن شرایط ورود به مطالعه از جمله گروه سنی ۱ تا ۱۸ سال، عدم وجود بیماری سیستمیک، عدم وجود بیماری عضوی، و تمایل به انجام درمان در قالب این مطالعه جمع آوری گردید. بیماران بر اساس روشهای آماری به دو گروه ۳۵ نفری تقسیم و آموزشهای لازم برای رعایت رژیم غذایی و اصلاح عادات دفع انجام شد سپس داروهای مورد نظر که در ظروف یکسان بسته بندی شده اند به صورت دو سو کور به هر کدام از گروههای مورد مطالعه تحویل گردید و مقدار مصرف آن نیز آموزش داده شد، در ابتدا اطلاعات بیمار از نظر خصوصیات دموگرافیک و بیماری ثبت و بعد از یک هفته و دو هفته و سه هفته تغییرات و پاسخ به درمان نیز ثبت شد و اطلاعات مربوط به آن جمع آوری گردید پس از جمع آوری داده ها و انجام کنترل های لازم اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۱۸ یا STATA وارد گردید و با به کارگیری آمارهای توصیفی مانند میانگین، انحراف معیار، درصد و نسبت و آزمون های آماری مناسب مانند Ki2 و T test و در صورت عدم توزیع نرمال داده ها از نان پارامتریک [معادل آن یعنی man whitney u- test استفاده شد. برای متغیرهای کمی از ANOVA و repeated measures مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج : با توجه به نتایج به دست آمده، فراوانی افراد در دو گروه مورد مطالعه بر حسب جنس، سن، تحصیلات و شغل اختلاف معنی داری نداشت. تاثیر عصاره آبی گل محمدی در مقایسه با لاکتولوز در اغلب موارد یکسان بود و در بعضی موارد هرچند از نظر P value معنی دار نبود ولی از نظر تعداد ارجحیت داشت و در صورت افزایش تعداد نمونه احتمال معنادار شدن این تفاوتها وجود خواهد داشت.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای یبوست و مشکلاتی که این عارضه برای بیمار و خانواده به وجود می آورد استفاده از درمانهای با هزینه و عوارض کم یک انتخاب درست است، چونکه همه انواع ملینهای خوراکی که به عنوان داروی ضدیبوست استفاده میشود دارای هزینه اثربخشی یکسان بوده و اغلب به دلیل لزوم استفاده دراز مدت از طرف خانواده پذیرفته نمیشود. مطالعات بسیاری بر اثرات گل محمدی و محصولات آن به عنوان یک گیاه مورد استفاده در فرهنگ بومی ایران انجام شده و همه آنها سلامت استفاده از انواع محصولات خوراکی و موضعی آن را تأیید کرده اند، در فرهنگ بومی ایران استفاده از پودر گل محمدی به عنوان یک افزودنی غذایی کاربردهای فراوانی دارد استفاده از گلاب نیز بعنوان یکی از محصولات اصلی گل محمدی به عنوان یکی از نوشیدنیها و افزودنیهای رایج بین مردم ایران کاملاً پذیرفته شده است.

برای بررسی تاثیر عصاره آبی گل محمدی مطالعات حیوانی متعددی انجام شده و LD50 برای آن در هیچ دوز قابل مصرفی، کشنده نبوده است. یک مطالعه حیوانی بر عصاره آبی کلالة گل نیز اثرات لینت بخشی با افزایش میزان آب مدفوع را گزارش کرده است. با توجه به تاثیر مناسب عصاره آبی گل محمدی بر درمان یبوست که در بهبود یا اصلاح بعضی از شاخصهای آماری مورد مطالعه در درمان یبوست نشان داده شد، استفاده از این روش درمانی از نظر اثر بخشی دارای اثر یکسان یا در بعضی از علائم، اثر بخشی بیشتری از لاکتولوز دارد، لذا پیشنهاد میشود برای درمان یبوست غیر عضوی به عنوان درمان مکمل در کنار اصلاح رژیم و اصلاح عادات دفع مورد استفاده قرار گیرد.

عنوان : تعیین تاثیر شربت شیرین بیان، فراورده طب سنتی ایران، بر دیسمنوره اولیه در مقایسه با ایبوپروفن

نام و نام خانوادگی استاد / اساتید راهنما: دکتر مجید امتیازی، مهندس محمد کمالی نژاد

نام و نام خانوادگی دانشجو : دکتر زهرا جعفری

کلید واژه ها: دیسمنوره اولیه، *G. glabra* ، *Glycyrrhiza glabra* L.، طب سنتی ایرانی، طب گیاهی، ایبوپروفن

مقدمه: دیسمنوره یا قاعدگی دردناک یکی از شایع ترین مشکلات ژینکولوژیک زنان در سنین باروری است و به دو نوع اولیه و ثانویه تقسیم می شود. درمان رایج در نوع اولیه، داروهای ضدالتهاب غیراستروئیدی و یا کنتراستپتوهای هورمونی هستند؛ به دلیل بروز عوارض ناخواسته و یا عدم تحمل این داروها، محققان همواره به دنبال روش های جایگزین موثر و ایمن با اثرات جانبی کمتر بوده اند. طب سنتی ایران به عنوان یکی از مکاتب غنی طبی، گیاهان مختلفی را برای این مشکل پیشنهاد داده است. شیرین بیان، به عنوان گیاهی با قابلیت های درمانی متعدد، از سال ها قبل مورد استفاده حکمای طب سنتی بوده و در تعداد زیادی از ترکیبات دارویی بکار گرفته شده است. با توجه به اینکه در متون سنتی، از این گیاه برای درمان دیسمنوره استفاده شده است و مطالعات جدیدی نیز در مورد مکانیسم های احتمالی تاثیر آن وجود دارد، هدف از طراحی کارآزمایی حاضر، ارزیابی بالینی تاثیر این گیاه بر درد بیماران مبتلا به دیسمنوره بود.

مواد و روش کار : در این مطالعه، تعداد ۶۰ نفر بیمار مبتلا به دیسمنوره متوسط تا شدید به طور اتفاقی به دو گروه تقسیم شدند؛ یک گروه تحت درمان با قرص ایبوپروفن ۴۰۰ میلی گرمی هر هشت ساعت و شربت پلاسبو قرار گرفتند و گروه دیگر شربت شیرین بیان *Glycyrrhiza glabra* L. به مقدار پنج سی سی، دو بار در روز و قرص پلاسبو دریافت نمودند. بیماران دارو را از روز اول تا پنجم قاعدگی و برای دو سیکل متوالی دریافت نمودند. شدت درد اولیه و تغییرات آن در طول مطالعه توسط مقیاس بصری درد، visual analogue scale مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج : پس از مداخله دارویی، شدت درد در هر دو گروه به طور چشمگیری کاهش یافت ($P \leq 0.05$) ولی بین دو گروه مداخله تفاوت چشمگیر وجود نداشت ($P \geq 0.05$)

میانگین شدت درد اولیه در گروه شیرین بیان ۶/۱۹ و در گروه ایبوپروفن ۷/۰۴ بود و پس از مداخله به ترتیب به ۰/۳۵ و ۰/۱۲ کاهش یافت. در طی مطالعه هیچگونه عارضه ناخواسته ای مشاهده نشد.

بحث و نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که می توان از شیرین بیان برای تسکین درد در بیماران مبتلا به دیسمنوره اولیه

بهره گرفت اگرچه مطالعاتی با حجم نمونه بزرگتر می تواند منجر به درک کامل تری از اثرات این گیاه شود.